



## Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



### Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2022.347117.473592

## The influence of Russia on the economic structure of Gilan from the Nasser period to the constitutional revolution (1264-1324 AH/1847-1906 AD)

Farzaneh Ghiasi<sup>\*1</sup>, Amirhossein Hatami<sup>2</sup>, Bagherali Adelfar<sup>3</sup>, Nasrolah Poormohammadi Amlashi<sup>4</sup>

1. Corresponding Author, Researcher of the History department, Islamic Iranian History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: [thegoldensnow49@gmail.com](mailto:thegoldensnow49@gmail.com)
2. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: [hatami@hum.ikiu.ac.ir](mailto:hatami@hum.ikiu.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: [badelfar@gmail.com](mailto:badelfar@gmail.com)
4. Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: [poor\\_amlashi@yahoo.com](mailto:poor_amlashi@yahoo.com)

### Article Info.

Received: 2022/08/13

Accepted: 2023/01/17

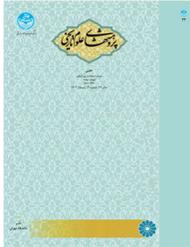
#### Keywords:

*Russia, Gilan, iran, economic structure, agricultural products.*

### Abstract

The relations between Iran and Russia in the Qajar period left numerous micro and macro impacts in various fields. Meanwhile, Gilan, as the gateway of Russians to Iran, was always and more exposed to these influences. One of the most important of these effects is the effect it has on the economic structure of Gilan. With this description, in this research, an attempt is made to analyze the transformation of the economic structure of Gilan affected by the relations with Russia. Based on this, the main research question is why and how the economic structure of Gilan was gradually transformed under the influence of relations with Russia. Based on the findings of the research, the economic structure of Gilan was a function of the demand and market needs of this country, considering the weakness of the central government and the superior political-economic power of Russia. The demand of the Russian market for the raw materials of Iran and Gilan led to the encouragement of people to grow and cultivate crops suitable for the demand of the Russian market. In this regard, according to the demand of the Russian market, the economy of Gilan has moved towards the production of raw materials and stopped from the production of industrial products and industrialization. In fact, after the Treaty of Turkmencha, the Russians expanded their sphere of influence to all the political and economic fields of Iran. They gradually managed to become Iran's largest trading partner. Russia becoming Iran's largest trading partner had adverse consequences on the structure of Gilan's economy. The agriculture of Gilan gradually moved towards the production of products demanded by the Russian market, and this led to the dependence of this region on Russia.

**How To Cite:** Ghiasi, F., Hatami, A., Adelfar, B., & Poormohammadi Amlashi, N. (2023). The influence of Russia on the economic structure of Gilan from the Nasser period to the constitutional revolution. *Journal of Historical Sciences Studies*, 13(1), 1-20



## تأثیر روسیه بر ساختار اقتصادی گیلان از دوران ناصری تا انقلاب مشروطه (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ه.ق / ۱۸۴۷-۱۹۰۶ م)

فرزانه غیائی<sup>۱\*</sup>، امیرحسین حاتمی<sup>۲</sup>، باقرعلی عادلفر<sup>۳</sup>، نصراله پورمحمدی املشی<sup>۴</sup>

۱. نویسنده مسئول، پژوهشگر گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: [thegoldensnow49@gmail.com](mailto:thegoldensnow49@gmail.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: [hatami@hum.ikiu.ac.ir](mailto:hatami@hum.ikiu.ac.ir)

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: [badelfar@gmail.com](mailto:badelfar@gmail.com)

۴. استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: [poor\\_amlashi@yahoo.com](mailto:poor_amlashi@yahoo.com)

### چکیده

مناسبات ایران و روسیه در دوره قاجار تأثیرات خرد و کلان متعددی در حوزه‌های مختلف بر جای نهاد؛ البته این مناسبات هیچگاه متوازن نبود و با توجه به نابرابری قدرت سیاسی و اقتصادی دو کشور، همواره به سود روسیه و به زیان ایران رقم می‌خورد. در این میان گیلان به عنوان دروازه ورود روس‌ها به ایران، همواره و بیشتر در معرض این تأثیرات قرار داشت؛ به همین علت یکی از مهمترین این تأثیرات، تأثیری است که بر ساختار اقتصادی گیلان نهاده است. با این وصف در این پژوهش تلاش می‌گردد دگرگونی ساختار اقتصادی گیلان متأثر از روابط با روسیه مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد. بر این مبنا پرسش اصلی تحقیق آن است که ساختار اقتصادی گیلان چرا و چگونه تحت تأثیر روابط با روسیه به تدریج دگرگون شد. بر مبنای یافته‌های پژوهش ساختار اقتصادی گیلان با توجه به ضعف دولت مرکزی و نیز قدرت سیاسی-اقتصادی برتر روسیه تابعی از تقاضا و نیازهای بازار این کشور بود. تقاضای بازار روسیه برای مواد اولیه از ایران و گیلان، به تشویق مردم برای پرورش و کشت محصولات مناسب با تقاضای بازار روسیه منجر گردید. در این راستا متناسب با تقاضای بازار روسیه، اقتصاد گیلان رو به سوی تولید مواد اولیه رفته و از تولید محصولات صنعتی و صنعتی شدن بازماند. در واقع روس‌ها پس از عهدنامه ترکمانچای حوزه نفوذ خود را به تمامی عرصه‌های سیاسی و اقتصادی ایران گسترش دادند و به تدریج موفق شدند به بزرگترین طرف تجاری ایران تبدیل شوند. تبدیل شدن روسیه به بزرگترین طرف تجاری ایران، عواقب سوئی بر ساختار اقتصاد گیلان داشت. کشاورزی گیلان به تدریج به سوی تولید محصولات مورد تقاضای بازار روسیه رفت و این امر به وابستگی این منطقه به روسیه منتهی گردید.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

### واژه‌های کلیدی:

روسیه، گیلان، ساختار اقتصادی، محصولات کشاورزی.

استناد به این مقاله: غیائی، فرزانه؛ حاتمی، امیرحسین؛ عادلفر، باقرعلی؛ پورمحمدی املشی، نصراله. (۱۴۰۱). تأثیر روسیه بر ساختار اقتصادی گیلان از دوران ناصری تا انقلاب مشروطه. فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## مقدمه

از یک منظر اقتصاد هر کشور به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش حقیقی و بخش مالی. بخش‌های صنعت، بازرگانی، کشاورزی و خدمات در حیطه بخش‌های واقعی و حقیقی اقتصاد قرار می‌گیرند. بازار پول (شامل بانک‌ها و موسسات اعتباری) و بازار سرمایه (متشکل از بورس اوراق بهادار، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه و ...) نیز دو شاخه بخش مالی اقتصاد هستند. بخش مالی وظیفه تأمین امور مالی بخش حقیقی اقتصاد (کشاورزی، صنعت، بازرگانی و خدمات) را دارد. منابع مالی جهت زمینه‌سازی و راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی، تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه در گردش واحدهای اقتصادی و تولیدی و انواع ظرفیت‌های اقتصادی همگی در حیطه وظایف بخش مالی هر اقتصادی می‌باشد. بنابراین بدون وجود بخش مالی قوی، توسعه و پیشرفت اقتصادی ممکن نخواهد بود. با این مقدمه باید گفت یکی از علل مهمی که اقتصاد ایران در دوره قاجار دچار ضعف شد و به سرمایه خارجی برای بهره‌برداری از منابع داخلی نیازمند گردید، فقدان منابع مالی بود. در این دوره منابع مالی لازم برای هزینه کردن و راه‌اندازی صنایع، معادن، کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی در دست نبود.

با این وصف در دوره قاجار دسترسی به منابع مالی برای ایجاد طرح‌های بزرگ و زیربنایی نظیر ساخت راه‌های حمل نقل شوسه و راه آهن و همچنین سرمایه‌گذاری برای ساخت واحدهای صنعتی و تولیدی و حتی بهره‌برداری از منابع داخلی نظیر نفت و مواد معدنی مختلف، محدود و مشکل بود. از این رو مشاهده می‌شود که شرکت‌های روسی در شمال ایران برای بهره‌برداری از منابع ملی آن سامان، بر منابع کشور دست انداختند. بدین ترتیب روس‌ها به سبب دارا بودن منابع مالی لازم بر این حوزه سیطره یافتند.

درست از همینجا بود که حضور مستمر و پرشمار روس‌ها در گیلان در کنار ضعف حکومت مرکزی، سبب شد ساختار اقتصادی گیلان به تدریج دگرگون گردد. برای بررسی و تحلیل این مسأله، به این پرسش اصلی پاسخ داده شد که ساختار اقتصادی گیلان چرا و چگونه تحت تأثیر روابط با روسیه به تدریج دگرگون شد. پیش فرض پژوهش آن است که ساختار اقتصادی گیلان با توجه به ضعف دولت مرکزی و نیز قدرت سیاسی - اقتصادی برتر روسیه، تابعی از تقاضا و نیازهای بازار این کشور بود. تقاضای بازار روسیه برای مواد اولیه از ایران و گیلان به تشویق مردم برای پرورش و کشت محصولات مناسب با تقاضای بازار روسیه منجر گردید. در این راستا متناسب با تقاضای بازار روسیه، اقتصاد و کشاورزی گیلان رو به سوی تولید مواد اولیه و تولید محصولات مورد تقاضای بازار روسیه رفته و از تولید محصولات صنعتی و صنعتی شدن بازماند (اتفاقی که در سراسر ایران افتاد) که این امر عواقب سوئی بر ساختار اقتصاد گیلان داشت.

### پیشینه پژوهش

عباس‌علی رضوی پیرانشاهی در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای اجتماعی و سیاسی نفوذ روسیه در سرزمین‌های شمالی ایران (میان‌ه قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی)»، در باب تأثیر حضور روس‌ها در گیلان از جهات مختلف سخن گفته‌است. در این مقاله از تأثیرات اجتماعی و سیاسی رفت‌وآمد کارگران روسی به گیلان و تأثیر آنها در پیدایش افکار نوین و آزادی‌خواهی ایرانیان سخن گفته شده است. تفاوت مقاله حاضر با پژوهش فوق در آن است که این اثر برخلاف مقاله مذکور، تأثیرات اقتصادی را مدنظر ندارد. در مقاله «مردم، علما و توسعه در عصر قاجاریه: راه گیلان» اثر محمدعلی کاظم‌بیگی، در باب احداث راه شوسه گیلان به تهران توسط کمپانی روسی سخن گفته شده است. این اثر به واسطه اشاره به تأثیر این مسیر در صادرات و واردات روسیه و ایران و تأثیر آن بر اقتصاد ایران حائز اهمیت است. رحمان حسنی در مقاله «پژوهشی درباره چوب و تجارت آن در عصر قاجار از راه دریای خزر با تکیه بر اسناد بایگانی» از نقش تجار و کمپانی‌های روسی در تجارت چوب جنگل‌های شمال ایران، از جمله گیلان سخن گفته است. این اثر اگرچه تأثیر مسئله فوق را بر اقتصاد گیلان مورد نظر قرار داده اما تنها بخشی از پژوهش فوق را دربرمی‌گیرد. رحمان حسنی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «پژوهشی در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه» از پیشینه شیلات شمال و سپس اجاره آن توسط لیانازوف سخن گفته است. در این اثر به پیامدهای سیاسی و اقتصادی این قرارداد در شمال ایران نیز پرداخته شده است. تفاوت این اثر با پژوهش حاضر در مطالعه موردی مقاله فوق و نیز عدم تمرکز بر گیلان می‌باشد. یاسر کریمی گیلایه در پایان‌نامه‌ای با عنوان «وضعیت سیاسی-اقتصادی گیلان در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق)» از وضعیت گیلان سخن گفته است. این پایان‌نامه ضمن آنکه محدود به دوران ناصری است و دوره مظفری و مشروطه را دربرنمی‌گیرد، به ساختار اقتصادی گیلان توجه‌ای نکرده است. کلثوم قدیری لشکاجانی نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقش دریای خزر (بنادر گیلان) بر تعامل بین ایران با روسیه در دوره قاجار» روابط اقتصادی ایران و روسیه در طول دوره قاجار با تمرکز بر بنادر گیلان مورد نظر قرار داده‌است. در این اثر نویسنده به اقلام صادرات و واردات دو کشور پرداخته است. تفاوت پژوهش حاضر با پایان‌نامه فوق در تمرکز بر دوران ناصری تا مشروطیت و واکاوی و پژوهش عمیق تأثیرات حضور روسیه بر اقتصاد گیلان در دوره مذکور می‌باشد.

### وضعیت اقتصادی ایران در دوران قاجار

اگرچه پس از سقوط دولت صفویه و بر اثر ایجاد ضعف و ناآرامی‌های متعدد در ایران (تا هنگام برآمدن سلسله قاجاریه) وضعیت اقتصادی کشور نابسامان بود، با این حال در ابتدای برآمدن سلسله قاجار هنوز تا حدی در اقتصاد کشور تعادل وجود داشت. نظام کشاورزی به صورت سنتی استمرار داشت؛ حرفه‌ها

و صنایع بومی و سنتی کشور به تولید مایحتاج داخلی مشغول بود و نیاز داخلی را برطرف می‌کردند. مردم به کالاهای خارجی نیاز مبرمی نداشته و با استفاده از تولیدات داخلی مایحتاج خود را فراهم می‌کردند؛ به‌طور کلی مردم در این دوره به‌صورت سنتی زندگی می‌کردند و به کالاهای خارجی وابستگی نداشتند. بازرگانان نیز به تجارت مشغول بوده و تا حدی نیز از حمایت دولت برخوردار بودند؛ حکومت قاجار از قدرت مناسبی برخوردار بود و همچنین میان دخل و خرج کشور تعادل مناسبی وجود داشت. اما این روند از دوره فتحعلی‌شاه رو به نقصان نهاد. از جمله علل مهمی که موجب تغییر وضعیت متعادل اقتصاد کشور و ضعف آن گردید، نفوذ قدرت‌های استعماری (روسیه و انگلیس) در سیاست و اقتصاد کشور بود. جنگ‌های ایران و روسیه، غرامت جنگ و اعمال نفوذ و دخالت انگلیس در سیاست ایران عواقب ناگواری بر اقتصاد ایران در دوران قاجار نهاد. در پی مشکلات مذکور اقتصاد سنتی ایران تحت تأثیر اهداف استعمارگران تغییر یافت. در این راستا، کشاورزی رو به سوی تولید محصولاتی نهاد که استعمارگران خواهان آن بودند. از آنجا که کشورهای استعمارگر به دنبال مواد اولیه برای کارخانجات صنعتی خود بودند، کشاورزی ایران به‌تدریج به سوی تولید محصولات اولیه‌ای که استعمارگران خریدار آن بودند، رفت؛ به‌تدریج ایران به صادرکننده مواد اولیه و واردکننده محصولات مصرفی کشورهای اروپایی تبدیل شد. به سبب گسترش ورود کالاهای صنعتی روس و انگلیس به بازار ایران، به‌تدریج صنایع داخلی نیز رو به اضمحلال نهاد. تنوع بسیار کالاهای خارجی، عرضه بالا و به‌ویژه قیمت ارزان‌تر این محصولات، باعث شد صنعت داخلی توانایی مقابله با اجناس خارجی را نداشته‌باشد و به‌تدریج محدود و مضمحل گردد. رقابت دو کشور با یکدیگر برای دریافت امتیازات مشابه و نیز افزایش نفوذ و سیطره خود بر دولت قاجار و همچنین افزایش سهم خود در اقتصاد ایران، به فاجعه اقتصادی در دوران مذکور منجر گردید. اقتصاد ایران دچار بحران شد و به سبب از میان رفتن تعادل بین دخل و خرج کشور و مشکلاتی از این قبیل، دولت ناچار به استقراض از روسیه و انگلیس شد. این امر دست دو دولت مذکور را در اقتصاد ایران هرچه بیشتر باز نمود؛ به‌طوری که در مقابل بازپرداخت وام‌ها، گمرکات و بسیاری از شریان‌های اقتصادی، ایران را تحت کنترل خویش گرفتند (آوری، ۱۳۷۳: ۱۰-۱).

آنچه ذکر شد خلاصه‌ای از وضعیت اقتصادی در سراسر ایران بود. صنایع، کشاورزی و گمرکات کشور تحت تأثیر شرایط مذکور قرار گرفت. ساختار اقتصاد کشور دچار تغییر بسیار شده و متأثر از خواسته و اهداف روس و انگلیس دگرگون شد. پس از عهدنامه ترکمانچای دست روس‌ها در سیاست و منابع ایران بازتر شد و در صورت عدم برآورده نمودن درخواست‌های آنها، به دولت ایران اعتراض می‌نمودند (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی) گیلان به‌سبب قرار گرفتن در منطقه مرزی و به‌ویژه همجواری با دریای خزر و روسیه، یکی از مناطقی بود که به شدت از وضعیت فوق متأثر گردید.

### صادرات و واردات ایران و گیلان و تأثیر روسیه بر آن

در عصر قاجار روسیه از طریق دریای خزر و مرزهای شمال غربی با ایران ارتباط تجاری داشت؛ پس از پیروزی در دو دوره جنگ بر ایران موفق شد بر تمامی دریای خزر سیطره یافته و به تدریج نفوذ تجاری و اقتصادی خود را در ایران افزایش دهد. روسیه از طریق بنادر انزلی، آستاراخان، دربند و باکو به ارتباط تجاری با ایران مشغول بود. انزلی در ایالت گیلان به عنوان مهمترین بندر تجاری ایران از طریق راه دریایی به باکو متصل شده و به مهمترین دروازه تجاری ورود کالاهای روسی به ایران تبدیل گردید. لازم به ذکر است که در این ایام علاوه بر روسیه سایر کشورهای اروپایی نیز از طریق مرزهای شمالی امتعه و اجناس تجاری خود را به ایران صادر می‌کردند. ورود این کالاها به ایجاد بازاری رقابتی برای کالاهای روسی منجر گردید. از این رو روس‌ها تلاش کردند با تمهیداتی نظیر افزایش نرخ عوارض گمرکی به مقابله با تجارت سایر کشورها بپردازند؛ بدین ترتیب سایر کشورهای اروپایی از رقابت با روسیه بازمانده و بازار شمال ایران به طور کامل به دست روسیه افتاد. بدین ترتیب روسیه یکه تاز میدان تجارت در مناطق شمالی ایران شد و توانست ارزش صادرات خود را هفت برابر نسبت به سابق ارتقاء دهد (عیسوی، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

همجواری گیلان با روسیه، اهمیت محصولات کشاورزی مناطق حاصلخیز شمال ایران برای روسیه، وجود راه دریایی میان گیلان و روسیه که موجب تسهیل امر تجارت میان دو منطقه شده بود، همگی در توسعه تجارت روسیه با گیلان از دوران ناصری تا پایان دوران قاجار مؤثر بودند. علاوه بر این سود سرشار تجارت با ایران باعث شد، روسیه تلاش کند سایر رقبا را از حوزه تجارت در مناطق شمالی ایران از جمله گیلان، حذف کند. بدین ترتیب به ایجاد نمایندگی‌های تجاری در نقاط مهمی از جمله بندر مهم گیلان شامل بندر انزلی، رشت، لاهیجان و لنگرود اقدام نمود؛ با این کار موفق شدند بر سراسر گیلان سیطره یافته و بازار این ایالت را به دست گیرند. آمار نشان می‌دهد که از دوران محمدشاه تا ابتدای دوران مظفرالدین‌شاه نه تنها روس‌ها تجارت خود را با ایران به صورتی قابل توجه گسترش دادند، بلکه تا حد زیادی بازارهای شمال ایران، از جمله گیلان، را نیز به دست گرفته بودند. بدین ترتیب بازارهای گیلان سرشار از امتعه روسی بود و همین مسئله به نابودی صنایع داخلی گیلان منجر گردید (رواسانی، ۱۳۸۸: ۶۶).

در این دوره ایران نیز ارتباط تجاری مناسبی با روسیه داشت و ارزش صادرات ایران به روسیه قابل توجه بود، اما مقایسه اقلام صادراتی ایران به روسیه نشان دهنده استفاده استعماری روسیه از توانایی‌های کشاورزی و تولیدی ایران به نفع خود است. در دوره موردنظر روسیه به طور غالب به ایران کالاهای صنعتی شامل عینک، لوازم التحریر، انواع پارچه، کارد و چنگال، فولاد و انواع فلزات همچون میله‌های آهنی، ورقه‌های مس، پارچه، الوار، چرم دباغی شده، قند روسی، چای، ظروف آشپزخانه،

سماور، چینی و تولیداتی از این قبیل صادر می‌نمود. در مقابل ایران مواد اولیه و تولیدات کشاورزی همچون پنبه، پوست حیوانات، برنج، توتون و تنباکو، چوب، مروارید، زعفران و ... به روسیه صادر می‌کرد. لازم به ذکر است که بسیاری از کالاهایی که به روسیه صادر می‌شدند، تولیدات کشاورزی ایالت گیلان بودند. از سوی دیگر از آنجا که بنادر گیلان مهمترین دروازه‌های ورود کالاهای روسی به ایران بودند، این ایالت به زودی به بازاری مناسب برای فروش امتعه روس تبدیل شد. محصولات وارداتی روسیه در بازارهای گیلان به قیمت مناسبی به فروش می‌رسیدند و سود فراوانی داشتند (خودزکو، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

تا سال ۱۳۱۷ق یعنی ابتدای دوران سلطنت مظفردالدین شاه، تعادل تجارت میان ایران و روسیه هنوز به نفع ایران بود. کالاهایی که ایران به روسیه صادر می‌کرد، سود بیشتری نسبت به روسیه داشت. اما غالب کالاهای صادراتی ایران به روسیه همان گونه که ذکر شد، مواد اولیه بودند (انتنر، ۱۳۶۹: ۵۷). بی‌تردید تقاضای بازارهای روسیه برای مواد اولیه، ایرانیان را به تولید و سپس صدور آن تا حد زیادی ترغیب می‌نمود.

غالب کالاهای صادراتی ایران به روسیه، محصولات تولیدی سواحل شمالی ایران، یعنی ایالات گیلان و مازندران بودند. در میان کالاهای صادراتی اقلامی نظیر پنبه، نخ پنبه‌ای، ابریشم، برخی کالاهای ابریشمی، ماهی خاویار، برخی حیوانات زنده، گردو و خشکبار همگی از تولیدات گیلان بودند (همان: ۵۷).

صادرات روسیه به ایران به تدریج رو به افزایش نهاد تا اینکه از حدود سال ۱۲۹۲ق به بعد توانست از دیگر کشورهای اروپایی پیشی گرفته و رتبه نخست در تجارت با ایران را به خود اختصاص دهد. بدین ترتیب تا اواخر قرن سیزدهم بیش از شصت درصد از کل واردات به ایران، توسط روسیه صورت می‌گرفت. یکی از راهکارهای روس‌ها برای افزایش میزان واردات به ایران، جذب تجار ایرانی بود. آنها تاجر مطرح ایران از جمله تاجر بزرگ گیلانی را تحت حمایت خود قرار دادند. این عمل تأثیر بسزایی در توسعه تجارت روسیه در گیلان و افزایش واردات آن کشور به این سرزمین و به‌طورکلی به ایران، در پی داشت (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۳؛ فخرایی، ۲۵۳۶: ۱۹۷).

در سال‌های پایانی سلطنت ناصری، روسیه صادرات خود به ایران را تا دو برابر افزایش داد. افزایش واردات قند و شکر از روسیه در بالا رفتن آمار صادرات روسیه به ایران نقش بسزایی داشت (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۳). افزایش تجارت و ورود سیل کالاهای روسی به ایران، از چشم مردم نیز دور نماند. حاج سیاح در سال‌های پایانی قرن سیزدهم از ورود گسترده کالاهای روسی به رشت و گیلان و عواقب سوء آن بر صنایع و بازار ایران و بی‌توجهی دولتمردان سخن گفته است:

«مال‌التجاره ایران که از گیلان حمل می‌شود: پنبه و ابریشم و خشکبار و پوست بره و گوسفند و فروش برنج و ماهی است و مال‌التجاره روسیه از آنجا همه حوایج ایران. این تجارت به این ترتیب در اندک زمان، صنایع ایران را نابود و اهل ایران را پریشان و گرسنه خواهد کرد... راست بگویم سیل عظیمی است که از راه روسیه به ایران جاری است... این سیل، ثروت ایران را خواهد برد... ایرانی غافل از اینکه چه می‌کند، گمان می‌کند که خدا روس‌ها را خلق کرده، کار کنند. ایشان راحت برند... ایران صاحب ندارد، در و دروازه ندارد (سیاح محلاتی، بی‌تا: ۲۱۱).»

روسیه انواع کالاهای کاربردی و تجملی را به ایران صادر می‌نمود. استفاده گسترده خانواده‌ها از این اقلام به ایجاد وابستگی به کالاهای مذکور منجر گردید. بر اساس عهدنامه میان ایران و روسیه، کالاهای روسی با حق تعرفه پایین به ایران وارد می‌شدند، به این ترتیب کالاهای مزبور در بسیاری از مواقع از کالاهای تولید داخل ارزان‌تر تمام می‌شدند؛ در مقابل اقلام وارداتی توسط تجار ایرانی شامل تعرفه گمرکی بالاتری می‌شد، این عمل نه تنها به ورشکستگی و زیان تجار ایرانی و سپس پذیرفتن تابعیت روسیه منجر گردید، بلکه موجب اضمحلال صنایع گیلان شد.

بر اساس مباحث فوق تجارت به عنوان یکی از بخش‌های مهم ساختار اقتصاد به سبب مشکلاتی که تا حد زیادی از عهدنامه ترکمنچای و نفوذ روسیه در اقتصاد گیلان ناشی می‌شد، باعث ایجاد آسیب در اقتصاد گیلان و ایران شد. این مسائل به ورود بی‌رویه کالاهای روسی به ایران و وارد آمدن آسیب به اقتصاد گیلان و به‌طور کلی ایران، منجر گردید. در مدتی کوتاه نه تنها حجم کالاهای وارداتی روسیه به ایران افزایش یافت، بلکه تنوع و ارزش آن نیز گسترش یافته و بر اقتصاد داخلی ایران تأثیری منفی نهاد.

### تأثیر روسیه بر کشاورزی گیلان

کشاورزی گیلان نیز در دوران قاجار تحت تأثیر ارتباط با روسیه قرار گرفت. همانگونه که پیشتر نیز ذکر شد، عمده اقلام صادراتی ایران و گیلان به روسیه در دوران مذکور را مواد اولیه تشکیل می‌دادند. در دوره قاجار کشاورزی گیلان به سوی تولید محصولاتی که بازارهای روسیه خواهان آن بود، رفت. بدین ترتیب ابریشم، برنج، توتون و اقلامی از این قبیل به سبب افزایش حجم تجارت آن، تولید بیشتری یافتند. در ادامه محصولات کشاورزی که مورد توجه روسیه قرار گرفت و تولید و صادرات آن در گیلان با افزایش روبرو گردید، بررسی خواهد شد.

#### ۱. ابریشم

ابریشم خام ایران از نخستین سال‌های دوران سلطنت ناصری به عمده‌ترین کالای تجاری ایران تبدیل گردید. گفته شده حدود ۳۱ تا ۳۸ درصد کل صادرات ایران در دهه شصت قرن سیزدهم مربوط به

ابریشم خام بود. اما پس از بیماری کرم ابریشم، تولید این محصول به شدت کاهش یافته و تریاک به مقام نخست ارتقا یافت (فوران: ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۵).

در ادامه بر اساس داده‌های موجود در منابع و سفرنامه‌های دوران قاجار برآوردی از حجم ابریشم گیلان در دوران موردنظر ارائه خواهد شد. خودزکو میزان محصول گیلان را در سال ۱۲۵۵ق برابر با ۹۰ هزار من شاه و برابر با ۹۶۹۰۰۰ لیره استرلینگ ثبت نموده است؛ در سال ۱۲۶۰ق محموله ابریشم گیلان ۱۰۰۰۰۰۰ گبروانکه<sup>۱</sup> به ارزش ۴۵۰۰۰۰ استرلینگ برآورد شده است. وی مجدداً در سال ۱۲۸۲ق ابریشم گیلان را معادل ۱۲۳۰۰۰۰ گبروانکه و به ارزش ۶۶۷۰۰۰ لیره استرلینگ ثبت کرده است. در سال ۱۲۸۳ق بر اساس گزارش‌های موجود ابریشم گیلان ۶۱۲۵۰۰ کیلوگرم با ارزش ۷۴۳۰۰۰ لیره استرلینگ برآورد می‌شود. تولید ابریشم گیلان بر اساس گزارش‌های مذکور تا سال ۱۲۹۳ق با رشد و نقصان ادامه می‌یابد. در سال ۱۲۸۹ق تولید ابریشم به ۲۸۶۶۰۰ کیلوگرم نیز می‌رسد، اما در سال ۱۲۹۱ق تولید به میزان ۶۴۴۷۰۰ کیلوگرم افزایش می‌یابد. این افزایش موقتی بود و مجدداً در سال بعد کاهش یافت؛ پس از آن تا سال ۱۳۰۷ق همچنان روند نزولی داشته است (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۴۸۳-۴۸۴؛ لافون، ۱۳۷۲: ۲۸۶-۲۸۵؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۸؛ فشاهی، ۱۳۶۵: ۲۷۸؛ رابینو، ۱۳۸۶: ۴۶).

در دوره ناصری ابریشم منبع مهم تولید ارز بود؛ اما بروز آفت در کرم ابریشم به کاهش آن منجر شد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۶۳). گفته شده تا سال ۱۲۸۰ق تولید ابریشم در گیلان موجب توسعه و گسترش کشاورزی در آن ایالت گردید (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۵). لازم به ذکر است که حدود دو سوم از ابریشم تولیدی ایران در گیلان تولید شده و قسمت اعظم آن به روسیه صادر می‌شد. حدود ۱۵ درصد از تولید ابریشم در ایران مصرف می‌شد و بقیه به خارج از ایران صادر می‌گردید (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۸).

در دهه هشتاد قرن سیزدهم بروز آفت در میان کرم ابریشم منجر به کاهش شدید تولید آن در گیلان گردید. پس از بروز بیماری، کشاورزان و مردمی که در تولید، فروش، صدور آن مشغول بودند، ضربه شدیدی متحمل شدند. در این راستا عده‌ای از کشاورزان درختان توت را قطع کرده و به کشت محصولات آزمایشی پرداختند. اما عده‌ای تلاش کردند با خرید تخم‌های وارداتی رونق سابق را بازیابند. اما تخم‌های وارداتی گران بود و واردکنندگان در ازای تخم سال، یک سوم محصول ابریشم را دریافت می‌کردند (اسناد میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله، ۱۳۷۷: ۱۰/۲). با واردات تخم توسط تجارخانه‌های

۱. هر گبروانکه روسی معادل با هشتاد و هشت مثقال ایرانی بود، از سوی دیگر با پنج سیر و نیم تبریز نیز برابر بود. هشت گبروانکه روسی معادل با یک من و چهار سیر تبریز بود. هر من شاه نیز معادل ۶۵ گبروانکه بود (حسینی فراهانی، ۱۳۶۲: ۶۷).

داخلی و خارجی، ابریشم گیلان از اواخر دوره ناصری بهبود نسبی یافت اما هرگز به رونق و کیفیت سابق بازنگشت (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۲۴؛ لندور، ۱۳۸۸: ۶۶). با این حال، ابریشم همچنان به عنوان یکی از محصولات تولیدی گیلان حفظ شد.

پس از افت تولید ابریشم، سرمایه‌گذاران و تجار به منظور کسب سود به بررسی بازار، و از جمله بازار روسیه پرداخته و متناسب آن به تولید و کشت محصولات جدید در گیلان پرداختند. در ادامه برخی از این محصولات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. برنج

برنج از دیرباز در گیلان کاشته می‌شد، با این حال تا زمانی که ابریشم در رأس تولیدات گیلان بود، برنج از جایگاه چندانی در تولید و صادرات برخوردار نبود. گیلان زمانی به کشت برنج به‌طور گسترده روی آورد که تولید ابریشم پس از بروز آسیب، دچار افت شدید شده و امیدی برای بازگشت به دوران سابق نبود. از این رو برنج به عنوان یکی از محصولات جایگزین ابریشم مورد توجه قرار گرفت. از دلایل مهم انتخاب برنج برای کشت در گیلان، علاوه بر آب و هوای مناسب، وجود بازار مناسب در روسیه بود. بر اساس گزارش‌ها در سال ۱۲۸۸ ق محصول برنج گیلان به سه برابر نسبت به قبل افزایش یافت. بدین ترتیب با افزایش تولید برنج و نیز گسترش یافتن زمین‌های زیر کشت، این محصول به حدی از تولید رسید که توانایی صادرات یافت (سیف، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

از دهه ۱۲۹۰ ق صدور برنج به روسیه از گیلان آغاز شد. در سال ۱۲۹۰ ق آمارها از صدور ۳۲۵۰ تن برنج به روسیه سخن گفته‌اند. صدور برنج در سال‌های نخست دهه نود قرن سیزدهم از هفت هزار تن تجاوز نکرده است. از آغاز قرن چهاردهم صدور برنج به تدریج گسترش گسترده‌ای یافته و در سال ۱۳۰۹ ق به ۲۵۷۱۰ تن رسید؛ تا سال ۱۳۱۲ ق صدور برنج به حدود ۴۳ تن در سال رسید و همچنان تا سال ۱۳۱۸ ق و اوان مشروطه روند رو به رشد خود را حفظ نمود و به حدود ۱۹ برابر افزایش یافت (سیف، ۱۳۸۷: ۹۲). در دوران مظفردالدین‌شاه، روسیه ۷۷۰۰۰ تن برنج از ایران وارد نمود. این رقم معادل با حدود ۱۴ درصد از کل تجارت ایران با روسیه را تشکیل می‌داد (انتنر، ۱۳۶۹: ۷۵). در همین دوره ارزش صادرات برنج گیلان به روسیه را معادل ۸۸۹۹۶۰۰ قران نوشته‌اند (yarshater, 2001: 646). برنج به سرعت به یکی از منابع مهم تولید ارز برای ایران تبدیل گردید (سیف، ۱۳۷۳: ۳۳۵-۳۳۴).

کشت برنج در سال‌های پایانی سلطنت ناصری چنان رشد و ترقی یافت و از ارزش و اهمیت برخوردار گردید که مداخل کلی اهالی ایالت گیلان را در این سال‌ها برنج نام برده‌اند (ملک آرا، ۱۳۶۱: ۱۹۲).

بدین ترتیب پس از سقوط ابریشم، برنج از محصولات کشاورزی اساسی گیلان شد. اگرچه اهمیت برنج به عنوان یکی از محصولات غذایی ساکنان این ایالت و نیز به سبب شرایط مناسب آب و هوایی گیلان مورد توجه بود، اما بازار مناسب روسیه برای صدور این کالا، باعث شد از میان سایر محصولات، برنج به یکی از جایگزین‌های اساسی ابریشم تبدیل شود و به سرعت درصد مهمی از صادرات گیلان به روسیه را به خود اختصاص دهد.

### ۳. توتون و تنباکو

توتون و تنباکو در دوران قاجار از محصولات صادراتی به‌شمار می‌رفتند. پس از بیماری کرم ابریشم، توتون نیز به عنوان یکی از محصولات جایگزین مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۲۹۱ق دکتر استپان هاراتومیانوس ارمنی، به واسطه آب و هوای مناسب گیلان برای کشت این محصول، توتون را از مناطق آسیای صغیر و عثمانی به گیلان وارد و کشاورزان منطقه فومن را به کاشت توتون سیگار تشویق نمود (ناطق، ۱۳۷۳: ۷۶). بعدها امین‌الدوله و برخی دیگر از دولتمردان و تجار با توجه بازار مناسب این محصول به توسعه پرورش این محصول یاری رساندند (سرتیپ پور، ۱۳۷۰: ۳۹-۳۸؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۶۰).

در سال ۱۲۹۳ق برای اولین بار توتون تولید گیلان به روسیه صادر گردید (ناطق، ۱۳۷۳: ۷۷). در واقع بازار تجاری مهم روسیه برای این محصول، دلیل کشت و تولید آن در گیلان بود. به طوری که در نخستین سال‌های کشت، صادرات به روسیه نیز آغاز شد. در همین سال‌ها کارلا سرنا در باب تولید توتون در گیلان چنین نوشته است: «...کشاورزان گیلان که از تولید ابریشم نومید شده بودند، قسمتی از توتستان‌های خود را به کشت توتون اختصاص دادند که تخم آن را از بندر سامسون واقع در دریای سیاه آورده‌اند. چون این آزمایش نتیجه بخش بوده‌است، جمعیتی برای کشت توتون در مقیاس بزرگ در گیلان تشکیل گردیده است (سرنا، ۱۳۶۳: ۳۴۷)».

طی سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۷ق صادرات توتون و تنباکو به روسیه رشد چشم‌گیری داشت. از سال ۱۲۹۳ تا دوران مشروطه توتون گیلان حدود بیست برابر افزایش داشت. بازار مناسب از علل رونق کشت و تولید آن بود (فشاهی، ۱۳۶۵: ۲۷۹). کشت این محصول در دوران مشروطه به حدود ۲۰ برابر نسبت به دهه نود قرن سیزدهم رسید (جمال زاده، ۱۳۷۶: ۳۵).

بدین ترتیب توتون و تنباکو نیز به سبب وجود بازار مناسب و همچنین زمینه مناسب کشت آن در گیلان، به یکی از محصولات جدید گیلان در عصر قاجار تبدیل گردید و زیرمجموعه محصولات صادراتی کشاورزی ایران به روسیه در عصر ناصری تا مشروطه قرار گرفت.

### ۴. زیتون

یکی دیگر از محصولات ایالت گیلان که در دوره قاجار به روسیه صادر می‌گردید، زیتون بود که

محصول عمده رودبار، منجیل و رستم‌آباد گیلان به‌شمار می‌آمد. خودزکو سیاح روسی در سال ۱۸۴۰م از کشت گسترده این محصول در نواحی رودبار سخن گفته است (خودزکو، ۱۳۹۰: ۱۱۷). زیتون برای تولید صابون و روغن استفاده می‌شد. با این‌حال شیوه‌های روغن‌کشی زیتون در گیلان در دوره قاجار بسیار ابتدایی بود. روغنی که به این شیوه به دست می‌آمد، اگرچه طعمی خوب داشت اما کدر و غلیظ بود. از این رو توجه مشتریان خارجی را جلب نمی‌کرد و تنها به منظور صابون‌سازی استفاده می‌شد (خودزکو، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

زیتون از جمله محصولاتی بود که از گیلان به روسیه صادر می‌شد و بازار خوبی نیز در روسیه داشت. در این راستا دو سرمایه‌گذار یونانی به نام‌های کوسیسی و تئوفیلاکتوس که تبعه روسیه بودند، در سال ۱۳۰۷ق از ناصرالدین شاه امتیاز گردآوری و تولید و تصفیه روغن زیتون گیلان را به مدت ۲۵ سال دریافت نمودند. آنها پس از دریافت امتیاز مذکور به روغن‌کشی زیتون به شیوه نوین و سپس صدور آن پرداختند (یولاک، ۱۳۶۸: ۳۶۷). بر اساس قرارداد فوق باغ‌های زیتون مناطق منجیل، رودبار، رستم‌آباد و نیز اطراف رودخانه سفیدرود در اختیار شرکت قرار گرفت. شرکت تعدادی را به منظور آموزش و فراگیری شیوه‌های تصفیه روغن به انگلستان اعزام نمود و سپس تحت نظارت کارشناسان مزبور در سال ۱۳۱۳ق در رودبار کارخانه تصفیه روغن تأسیس نمود. شرکت محصولات مختلفی شامل زیتون، روغن زیتون و صابون را به روسیه صادر می‌کرد (ناطق، ۱۳۷۳: ۴۰).

در مجموع چنانچه از مطالب فوق برمی‌آید همجواری ایران با روسیه و وجود بازار مناسب آن کشور برای محصولات کشاورزی گیلان، بر ساختار کشاورزی این ناحیه بسیار مؤثر واقع گردید. تا زمانی که ابریشم به عنوان محصول اولیه گیلان، اکثریت ساکنان این ایالت را به خود مشغول ساخته بود، سایر محصولات چندان مورد توجه سرمایه‌گذاران، تجار و کشاورزان نبودند. اهمیت ابریشم گیلان در صنایع نساجی روسیه باعث شده بود، روسیه همواره خواهان ابریشم گیلان باشد. این امر در رونق پرورش ابریشم در آن ایالت به شدت مؤثر بود. پس از آنکه ابریشم در دهه هشتاد دچار بیماری شد و امید چندانی به بهبود وضعیت و بازگشت به دوران سابق نبود، مردمی که در آن عرصه فعالیت می‌کردند، به فکر جایگزین نمودن محصولات دیگری به جای ابریشم افتادند. در این میان با توجه به آمار و ارقام صادرات و نیز محصولات انتخاب شده برای جایگزین‌سازی، متوجه می‌شویم وجود بازار مناسب برای کالاهای تولیدی در روسیه یکی از نکاتی است که به خوبی مورد توجه ساکنان گیلان قرار گرفته است. برنج، توتون و تنباکو و زیتون محصولاتی بودند که پس از آفت ابریشم، در گیلان کشت شدند و برای تمامی محصولات فوق بازار مناسبی در روسیه وجود داشت. این محصولات به سرعت در مدت کوتاهی پس از کشت، به یکی از محصولات صادراتی ایران و گیلان تبدیل شدند. ابتدا برنج مورد توجه گیلانی‌ها قرار گرفت و در مدت کوتاهی به یکی از مهمترین محصولات صادراتی این ایالت به گیلان

تبدیل گردید. این محصول در مدتی کوتاه منبع تولید ارز برای ایران شد و در صدر صادرات گیلان قرار گرفت. پس از آن توتون و تنباکو و زیتون نیز به عنوان محصولات جایگزین ابریشم مورد توجه کشاورزان گیلانی قرار گرفته و در زمره محصولات صادراتی به روسیه قرار گرفتند. ورود سریع این محصولات به عرصه صادرات به روسیه نشان می دهد، وجود بازار مناسب برای این کالاها در سرزمین همسایه عاملی مهم برای انتخاب این محصولات بوده است. در این میان با بررسی آمارها و منابع متوجه می شویم تقاضای بازارهای روسیه برای مواد اولیه نظیر ابریشم، برنج، توتون و تنباکو و زیتون بر ساختار کشاورزی گیلان تأثیرگذار بوده و همچنین در نوع کشت نیز تأثیر نهاده است. در واقع بازار مناسب در روسیه عاملی تعیین کننده در انتخاب نوع محصول در این ایالت پس از بروز بیماری کرم ابریشم بود. بدین ترتیب گیلان به جای تمرکز بر ایجاد صنایع، به تولید محصولات کشاورزی که در مدتی کوتاه تر سوددهی مناسب داشت، پرداخت. علاوه بر این بی تردید عدم وجود سرمایه لازم در ایران برای ایجاد صنایع عاملی دیگر بر تمرکز مردم بر کشاورزی و در نهایت سوء استفاده استعمارگران از این مسئله گردید.

## ۵. شیلات

یکی دیگر از عرصه های اقتصادی گیلان که روس ها در آن به شدت تأثیرگذار بودند، شیلات<sup>۲</sup> بود. صید ماهی و استفاده از آبزیان همواره یکی از منابع درآمد مهم ساکنان جنوبی دریای خزر، از جمله گیلان بود. در فصول صید ماهی معمولاً از سوی دولت رودخانه ها به عده ای اجاره داده می شد. در طول این مدت هیچ کس جز اجاره کنندگان در محدوده های مشخص شده حق صید ماهی نداشتند. رسم اجاره دادن شیلات در سواحل جنوبی دریای خزر و رودخانه های منتهی به آن از دیرباز وجود داشت؛ آدام الئارئوس در دوره صفوی از اجاره دادن رودخانه های گیلان برای ماهیگیری به مردم سخن گفته و از فراهم آمدن ثروت بسیار از این طریق برای شاه اشاره کرده است (الئاریوس، ۱۳۶۳: ۳۹). دریای خزر دارای انواعی از ماهی ها بود که برخی از آنها مانند کیلکا به شدت مورد علاقه روس ها بودند (افشار، ۱۳۸۰: ۷۷). گفته شده هر ساله حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ تن از این نوع ماهی توسط صیادان روسی از دریای خزر صید می شد. علاوه بر این ایرانیان بر طبق قوانین دین اسلام، ماهی های بدون فلس را صید نمی کردند. آنها این ماهی را به اصطلاح حرام می شمردند و از خوردن آن امتناع می نمودند. بنابراین ماهی های بدون فلس و از جمله خاویار به تمامی، متعلق به روس ها بود که سود سرشاری برای آنها به همراه داشت (افشار، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

۲. کلمه شیلات، جمع شیل می باشد. شیل به معنای سدی است که به منظور صید ماهی و آبزیان در عرض رودخانه با چوب ساخته می شود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰/۱۴۷۱۲).

روس‌ها که همواره خواهان تملک بر دریای خزر بودند، پس از عهدنامه ترکمنچای به شیلات ایران چشم دوختند. از هنگام عقد قرارداد مذکور تا سال ۱۲۹۳ق که کل شیلات دریای خزر (حوزه ایران) به میرزا حسین‌خان سپهسالار اجاره داده شد، همواره عده‌ای از تجار و سرمایه‌گذاران روسی و یا تبعه آن دولت در این عرصه فعالیت می‌کردند. با وجود اعتراضات مکرر نفوذ روسیه در ایران مانع از به ثمر رسیدن اعتراضات می‌شد (تیموری، ۱۳۶۳: ۲۹۲-۲۷۷).

چنانچه گفته شد، در این دوره صید ماهی‌های بدون فلس به صیادان روسی واگذار می‌شد. در فصل صید، صیادان روسی در دهانه رودخانه‌های مهم گیلان از جمله رودهای بزرگ سفیدرود، گرکان‌رود و نوا رود به ایجاد صیدگاه‌هایی پرداخته و اقدام به صید ماهی می‌نمودند. به گفته خودزکو، دومین محصول ارزشمند و صادراتی گیلان، پس از ابریشم، صید ماهی بود (خودزکو، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

اگرچه در دوره صدرات امیرکبیر تلاش‌هایی برای حذف روس‌ها از حوزه شیلات صورت گرفت (سپهر، ۱۳۷۴: ۲۳۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۱۲۰۴)، اما در سال ۱۲۹۳ق میرزا حسین‌خان مشیرالدوله شیلات شمال را با هدف سر و سامان دادن به آن و همچنین ایجاد درآمد بیشتر برای دولت، به مدت ده سال از ناصرالدین‌شاه اجاره نمود (تیموری، ۱۳۶۳: ۲۹۴). وی پس از اجاره شیلات شمال، یکجا تمام آن را به استپان لیانازوف یک بازرگانی ارمنی ساکن حاجی طرخان و تبعه روس، اجاره داد. میرزا حسین‌خان در همان سال شیلات را به لیانازوف اجاره داد و در نامه‌ای خطاب به سفیر روسیه در باب این اجاره و وظیفه لیانازوف چنین نوشت:

«بنا به اجاره و اختیاری که از جانب دولت علیه متبوعه خود داشتن، شیلات حلال و حرام را از استرآباد تا آستارا به استثنای محل موسوم به سرتک اجاره صحیحه دادم... به مدت پنج سال، که سالی مبلغ پنجاه هزار تومان نقد رایج خزانه عامره ایران پرداخت نمایند... (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۲۹۷، ک ۱۶، پ ۱۴).»

بدین ترتیب تمام شیلات سواحل جنوبی دریای خزر از جمله سواحل و رودهای گیلان به لیانازوف روسی اجاره داده شد. این عمل در وضعیت اقتصادی گیلان به شدت تأثیر نهاد. روس‌ها و کارگران روسی به منظور اداره و بهره‌برداری از شیلات به صورت گسترده به گیلان وارد شدند و امور را در دست گرفتند. بدین ترتیب بسیاری از سکنه گیلان موقعیت شغلی خود را از دست دادند. صیادی و ماهیگیری پیشه اغلب مردم گیلان بود. روس‌ها و تبعه‌های روسی در پی این قرارداد در سطحی گسترده به گیلان وارد شده و این امر بی‌شک در تنگ کردن عرصه کار و فعالیت برای گیلانی‌ها و همچنین تجار ایرانی که پیش‌از آن در این عرصه فعالیت می‌نمودند، بسیار تأثیرگذار بود:

«لیانازوف حدود ۱۱۰۰ نفر را که اکثر آنها تبعه روسیه از باکو و لنکران هستند، به کار گرفته است. غیر از اینها ۳۵۰ نفر در انزلی و بقیه به موازات سفید رود که در آن سگ ماهی صید می‌شود و به

موازات دریا به کار گماشته شده‌اند. در انزلی تأسیسات کاملاً روسی است که در آن کشتی‌سازان، آهنگران، دستکش و چکمه‌دوزان به کار مشغولند و کلبه‌هایی برای خواب افراد دیده می‌شود و خانه‌های چوبی که در آستاراخان درست شده و برای سوار کردن وارد اینجا می‌شود، برای راحتی کارکنان ایجاد شده است. (عیسوی، ۱۳۸۸ : ۳۹۴).

پس از گذشت چهارسال از قرارداد فوق، در سال ۱۲۹۷ ق سپهسالار قرارداد را به مدت پنج سال تمدید کرد و در آن، وی مجدداً تمامی شیلات و صید ماهی سواحل جنوبی خزر از رودخانه آستارا تا رودخانه اترک را به برادران ملیک بیگلروف، لیانازوف و ملیک آزابانس، از ابتدای ماه اکتبر سال ۱۲۹۶ م/ شوال ۱۲۹۶ ق تا اکتبر ۱۸۸۴ م/ ذی‌الحجه ۱۳۰۱ ق اجاره داد. قرار شد آنها سالانه پنجاه هزار تومان بابت اجاره‌بها به سپهسالار بپردازند. علاوه بر این ذکر شده بود که گمرک دولت ایران از هیچ یک از اسباب و لوازمی که اجاره‌داران مذکور به جهت صید ماهی و شیلات به ایران وارد یا خارج کنند، نباید حق گمرکی دریافت کنند (تیموری، ۱۳۶۳ : ۲۹۷-۲۹۵).

در سال ۱۲۹۷ ق هنگامی که سپهسالار از صادرات عزل شد، شیلات به کامران میرزا منتقل و به سفارت روسیه اطلاع داده شد که مبلغ اجاره به وی پرداخت شود (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، سال ۱۲۹۷، ک ۱۶، پ ۱۴).

پس از سلب امتیاز شیلات از میرزا حسین خان، لیانازوف با کامران میرزا و میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه قراردادی جدید به مدت شش سال (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ ق) عقد نمود. متن این قرارداد دقیقاً مشابه با قرارداد سابق بود و تنها ارقام و مبلغ اجاره تغییر نموده بود (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۰۰، ک ۱۷، پ ۲۵). لیانازوف مجدداً در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۰۶ قرارداد خود را با وزیر امور خارجه وقت ایران، میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله تمدید کرد (تیموری، ۱۳۶۳ : ۳۰۲). در سال ۱۳۱۱ ق در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه مجدداً قراردادی دیگر به مدت زمان ۱۰ سال میان لیانازوف و میرزا علی اصغرخان اتابک به امضا رسید. بر اساس این قرارداد لیانازوف بایست سالانه ۴۶۰۰۰ فرانک به دولت ایران پرداخت می‌کرد (نامه‌های تاریخی دوران قاجار، ۲۵۳۵ : ۷۸-۷۷؛ لیتن، ۱۳۶۹ : ۱۱۶).

پس از مرگ لیانازوف در دوران مظفرالدین‌شاه، دو بار دیگر قرارداد شیلات با ورثه وی تمدید شد. این قرارداد پس از دوران مشروطه همچنان پابرجا بود (مکی، ۱۳۶۳ : ۴ / ۳۴۵). پس از انقلاب روسیه با اینکه آن کشور از تمامی امتیازات پیشین خود چشم پوشید، اما سود سرشار این امتیاز مانع از آن شد که آن را ملغی سازند (آوری، ۱۳۷۳ : ۴۵۶؛ مکی، ۱۳۶۳ : ۴ / ۳۴۲-۳۳۵). در نهایت در سال ۱۳۳۱ قمری دوران ۲۵ ساله خاتمه یافت و دست روس‌ها از آن کوتاه گردید (امینی، ۱۳۸۲ : ۱۲۸).

به گفته کرزن که در دوران مذکور به گیلان سفر کرده در دهانه سفید رود، بصورت روزانه گاه تا ۴۰۰۰ ماهی صید می‌شد. در انزلی و در قسمت‌های کم‌عمق دریا نیز در روز تا ۳۰۰۰۰۰ ماهی صید

می‌گردید؛ لیانازوف سالانه شصت و پنج هزار تومان بابت صید تمامی ماهی به دولت ایران پرداخت می‌نمود و در مقابل سود سرشاری به دست می‌آورد (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۴۸۸).

قراردادهای مکرر ایران با لیانازوف سال‌ها منابع ملی گیلان و سواحل شمالی ایران را به نفع روس‌ها مصادره نمود. بسیاری از ساکنان سواحل ایران و از جمله سکنه گیلان که در آن حوزه امرار معاش می‌نمودند با این عمل از کار بیکار شده و یا درآمدشان محدود شد؛ از سوی دیگر این محصول به عنوان دومین محصول صادراتی ایران به روسیه، سود سرشاری را عاید دست اندرکاران، تجار و دولت ایران می‌نمود. اما قراردادهای مکرر با روس‌ها و تبعه آن دولت، دست ایرانیان را از این منابع عظیم کوتاه نمود. علاوه بر این لیانازوف نه تنها غالب دست اندرکاران و کارگران خود را از روسیه به ایران منتقل می‌نمود، بلکه سایر احتیاجات خود را نیز از روسیه می‌آورد. روس‌ها در اواخر دوران قاجار حدود ۴۲۰۰ نفر کارگر در شیلات گیلان داشتند. گفته شده ۳۰۰۰ نفر از این افراد روسی بوده و از قفقاز به گیلان آمده بودند (فوران، ۱۳۸۳: ۱۹۹؛ لیتن، ۱۳۶۹: ۱۱۷). بدین ترتیب اجاره شیلات توسط روس‌ها ضربه بزرگی بر اقتصاد ایران و گیلان وارد آورد.

### ۶. چوب

یکی دیگر از محصولات صادراتی گیلان به روسیه چوب بود که تجار روس در آن دخالت داشتند. از آنجا که در این دوره قانونی برای محافظت از جنگ‌ها وضع نشده بود، معمولاً تجار روسی با دادن رشوه به حکام و خوانین محلی اقدام به بریدن درخت‌ها و انتقال آن به روسیه می‌نمودند. در این راستا صدمات جبران ناپذیری به درختان جنگل‌های گیلان وارد آمد (روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۴۷۵، ۲ ربیع‌الاول ۱۲۷۷، ص ۲). این افراد به همراه سایر تجار خارجی، چوب‌ها را به روسیه و انگلیس صادر می‌کردند. به گفته خودزکو از انزلی و دهانه رودخانه سفید رود، ۱۹ هزار پوت (هر پوت معادل ۱۶ کیلوگرم) چوب نوعی درخت به نام مازو و ۴۵۰۰ پوت چوب درخت سرو از جنگل‌های گیلان به روسیه صادر شده است. وی ارزش این چوب‌ها را معادل با ۳۵۰۰ تومان برآورد نموده است (خودزکو، ۱۳۹۰: ۱۱۸). چوب شمشاد از دیگر چوب‌های ارزشمندی بود که به روسیه صادر و ارزشی بالا داشت (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۴۸۸؛ هربرت، ۱۳۷۵: ۳۱۸؛ عیسوی، ۱۳۸۸: ۳۲۴). قطع و صادرات این درخت باعث شد در پایان دوران ناصری به ندرت درخت شمشاد در جنگل‌های گیلان و سایر سواحل خزر دیده شود. این عمل باعث شد این درخت در گیلان و سواحل خزر در معرض انقراض قرار گیرد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۳۵). تا دوران مظفرالدین‌شاه این روال همچنان ادامه داشت و تجار خارجی به‌صورتی بی‌رویه اقدام به قطع و صدور چوب‌های جنگل‌های گیلان به روسیه و انگلیس می‌نمودند. بر اساس گزارشی در سال ۱۲۹۲ ق ۲۱۷۰ تن چوب شمشاد از گیلان به روسیه و انگلیس صادر شد که ارزشی معادل ۲۳۰۸۰ لیره استرلینگ داشت (سیف، ۱۳۷۳: ۶۲).

در سال ۱۳۰۲ق در دوره ناصری امتیاز بریدن چوب‌های درختان جنگل‌های گیلان از سوی ناصرالدین شاه به مدت دو سال به یک روسی داده شد؛ وی موظف بود در قبال این امتیاز سالانه مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان به دولت پرداخت کند. این قرارداد چهارسال بعد مجدداً با همان فرد تمدید گردید؛ اما مبلغ اجاره به ۱۷۰۰۰ تومان کاهش داده شد ( کرزن، ۱۳۷۳ : ۱ / ۴۸۸).

در ۱۳۱۲ق امتیاز قطع و صدور چوب جنگل‌های شمال ایران از آستارا تا استرآباد اعم از گیلان و مازندران و تنکابن و کجور و استرآباد و سایر ولایات این ناحیه به تجارتخانه‌ای روسی به نام «تجارتخانه مسیو کوسییس و توفیلاکتوس» به مدت ۵ سال ارائه شد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۱۲، ک ۲۵، پ ۱۵).

کارلاسنا که در این ایام در گیلان بود، می‌نویسد در یک سال از جنگل‌های گیلان ۲۰۰ هزار درخت بریدند. پس از بریدن درختان هیچ تلاشی برای کاشت درخت جدید و مقابله با انقراض درختان به عمل نمی‌آمد (سرنا، ۱۳۶۳: ۳۴۶). از این رو درختان و جنگل رو به نابودی رفت، به طوری که گفته شده به ندرت از هر درخت بیشتر از یک قطعه در جنگل دیده می‌شد (سیف، ۱۳۷۳: ۶۲).

شدت آسیب به جنگل‌های گیلان تحت اعمال تجار روس باعث واکنش برخی حکام و شاهدادگان قاجار گردید. در پایان دوران ناصری عباس‌میرزا ملک‌آرا به حکومت گیلان منصوب شد؛ او پس از مشاهده وضعیت جنگل‌ها و نقش روس‌ها در نابودی آنها نوشت که با وجود اینکه رشت سراسر جنگل است اما روس‌ها تمامی درخت‌های بزرگ و خوب را بریده و به منظور باز کردن راه برای خارج کردن چوب، سایر درختان را قطع کرده‌اند. بدین ترتیب نه تنها قسمت اعظم جنگل نابود شده، بلکه نشانی از درختان بزرگ نیز در جنگل‌های رشت و گیلان دیده نمی‌شود. علاوه بر این وی ذکر می‌کند روس‌ها از غفلت ایرانیان استفاده کرده و منابع ملی را به یغما برده‌اند؛ به گفته وی دولتمردان و شاهدادگان بی‌خرد و نالایق نیز به انتقادات سایرین توجهی نداشتند (ملک‌آرا، ۱۳۶۱: ۱۴۷).

بدین ترتیب جنگل‌ها و درختان نیز به عنوان یکی از منابع ملی گیلان از دیگر منابع اقتصادی مهم این ایالت بود که در صادرات به روسیه نقش عمده داشت. چوب به عنوان یک مواد اولیه از دیگر محصولات بود که روسیه به شدت خواهان آن بود. صدور چوب از دیرباز از اشتغالات ایرانیان و منبع درآمد مهمی در اقتصاد کشور و ساکنان ایالت گیلان محسوب می‌شد. در این میان بازار مناسب این محصول در روسیه در ترغیب تجار به این امر نقش داشت. بی‌توجهی دولت و بی‌خبری آنان، باعث سوءاستفاده روس‌ها از این منابع گردید. همانگونه که ذکر شد با برداشت بی‌رویه از جنگل‌ها و قطع درختان و عدم توجه به جایگزین نمودن نهال به جای درختان بریده شده، بسیاری از گونه‌های درختان به حد چشمگیری کاهش یافت؛ و قسمت‌های وسیعی از جنگل با این رویه نابود شده و هرگز جایگزین نشدند. دخالت و نفوذ روس‌ها در تجارت چوب از یک‌سو به برداشت بی‌رویه و از میان رفتن جنگل‌ها

منجر شد و از سوی دیگر به اقتصاد داخلی ایران و گیلان ضربه زد. عدم تلاش برای پیشگیری از نابودی جنگل‌ها در دراز مدت بر اقتصاد تأثیر گذاشته بود.

### نتیجه

حاصل سخن آنکه تقاضای بازار روسیه برای مواد اولیه ایران و گیلان، به تحریک مردم برای پرورش و کشت محصولات مناسب با تقاضای بازار روسیه منجر گردید. در این راستا متناسب با تقاضای بازار روسیه، اقتصاد گیلان رو به سوی تولید مواد اولیه رفته و از تولید محصولات صنعتی و صنعتی شدن بازماند (اتفاقی که در سراسر ایران افتاد). اقتصاد ایران و از جمله گیلان که تحت تأثیر علل مختلف دچار آسیب و ضعف بود، با نفوذ روسیه برای کسب بیشترین سود ممکن از بازار ایران دچار ضعف هرچه بیشتر شد. گیلان به عنوان همسایه و دروازه ورود و خروج کالاها بیش از سایر مناطق ایران از وضع مذکور تأثیر پذیرفت. ساختار اقتصاد گیلان به سمت تولید مایحتاج بازار روسیه به ویژه محصولات طبیعی و مواد اولیه پیش رفت.

نکته مهمی که در اینجا قابل ذکر است تأثیر بازار روسیه در انتخاب نوع کشت، نوع اشتغال و پیشه از سوی ساکنان گیلان و ایرانیان بود. علاقه روسیه به مواد اولیه و نیاز صنایع آن به مواد اولیه ایران باعث شد بر بازار گیلان تأثیر نهاده و آن را به سوی تولید مواد اولیه و عدم تلاش برای تولید محصولات صنعتی سوق دهد. در این راستا بررسی محصولات صادراتی گیلان به روسیه نشان می‌دهد محصولاتی نظیر برنج، ابریشم، توتون و تنباکو، چوب و ... که همگی در زمره مواد اولیه قرار دارند، در صدر محصولات صادراتی گیلان به روسیه هستند. بدین ترتیب ساختار اقتصاد گیلان تحت نفوذ و سیطره روسیه به اقتصادی غیرصنعتی و تولیدکننده مواد اولیه بر اساس نیازهای بازار روسیه تبدیل گردید. این امر در درازمدت نه تنها منجر به ضعف اقتصاد آن ایالت شد بلکه وابستگی را نیز به دنبال داشت.

### منابع

- اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله (۱۳۷۷). به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مرات‌البیان*. به کوشش میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۸۰). *دریای مازندران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۲). *تاریخ روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سقوط رضاشاه*. تهران: خط سوم.
- انتنر، مروین. ل (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات دکتر افشار.
- الثائوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه*. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.

آدمیت، فریدون، ناطق، هما (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.

آوری، پیتز (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران*، جلد اول، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.

بنجامین، س. ج. و (۱۳۶۹). *ایران و ایرانیا*. ترجمه محمدحسین کردیچه، تهران: جاویدان.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

تیموری، ابراهیم (۱۳۶۳). *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: اقبال.

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۶). *گنج شایگان*، تهران: موقوفات دکتر محمد افشار.

چرچیل، جورج پرسبی (۱۳۶۹). *فرهنگ رجال قاجار*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: زرین.

خودزکو، الکساندر (۱۳۹۰). *سرزمین گیلان*، ترجمه سیروس سهامی، رشت: فرهنگ ایلیا.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.

رایبینو، ه. ل. (۱۳۸۶). *ولایات دارالمرز ایران*. ترجمه جعفر خمایی زاده. رشت: طاعتی.

روزنامه دولت علیه ایران، ۲ جلد، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سپهر، مورخ‌الدله (۱۳۷۴). *به کوشش احمد سمیعی*، تهران: نامک.

سرتیپ پور، جهانگیر (۱۳۷۰). *نامه‌ها و نامداران گیلان*. رشت: گیلکان.

سرنای، کارلا (۱۳۶۳). *مردم و دیدنی‌های ایران*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.

سیف، احمد (۱۳۸۰). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.

سیف، احمد (۱۳۸۷). *قرن گذشته اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نی.

عیسوی، چارلز (۱۳۸۸). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.

فخرایی، ابراهیم (۲۵۳۶). *گیلان در جنب مشروطه*. تهران: کتابهای جیبی.

فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۵). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. تهران: گوتنبرگ.

فوران، جان (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. خدمات فرهنگی رساء.

کرزن، جرج ناتل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

لافون، ف. رایبینو (۱۳۷۲). *صنعت نوغان در ایران*. ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

لندور، آرولد هنری ساویچ (۱۳۸۸). *ایران در آستانه مشروطیت*. ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.

لینتن، ویلهلم (۱۳۶۹). *خاطرات*. ترجمه پرویز صدری. تهران: ایرانشهر.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۲۶۸، ک ۶، پ ۳۵.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۲۹۷، ک ۱۶، پ ۱۴.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۰۰، ک ۱۷، پ ۲۵.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۰۶، ک ۲۰، پ ۹.

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۰۶، ک ۲۰، پ ۹.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، س ۱۳۱۲، ک ۲۵، پ ۱۵.
- مکی، حسین (۱۳۶۳). *تاریخ بیست ساله ایران*. تهران: نشر ناشر.
- ملک‌آرا، عباس میرزا (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- ناطق، هما (۱۳۷۳). *بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو*. تهران: توس.
- نامه‌های تاریخی دوران قاجار (۲۵۳۵) به کوشش ابرهیم صفایی. تهران: بابک.
- هربرت، آرتور جیمز (۱۳۷۵). *اوضاع مالی و معدنی ایران (۷ مه ۱۸۸۶)*. ترجمه احمد سیف. تاریخ معاصر ایران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

Yarshater, ehsan (2001) encyclopedia Iranian, vol x. new York, biblothecca press.  
Irving b. karvis & Kenessey, Zoltan (1973) output and price in the international comparison project, The Review of Income and Wealth, series 19.